



اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
رفیق نورالدین
کیانوری
در گذشت

در صفحه ۳

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۷۰، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۱۸ آبان ۱۳۷۸

فرخنده باد هشتاد و
یکمین سالگرد پیروزی
انقلاب کبیر اکبر

هفتم نوامبر امسال مصادف است با هشتاد و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر اکبر. اکتبر پیروزی نخستین انقلاب کارگری در تاریخ جهان بود که بی شک تأثیرات شگرفی بر زندگی و مبارزه صدها میلیون انسان زحمتکش در سراسر جهان بر جای گذاشت. انقلاب اکتبر نخستین گام عملی در بزرگ راهی بود که انتهای آن راهی بشریت از زنجیرهای ستم طبقاتی و استثمار فرد از فرد است. با پیروزی اکتبر بر خلاف نظر مدافعان سرمایه داری حکومتی در جهان پدید آمد که هدفش تأمین منافع زورمندان و ستمگران نبود و بر اندیشه بسط و گسترش عدالت اجتماعی و آزادی در جامعه استوار بود. اکتبر با هدف پیاده کردن نظام نوینی در جهان، نظام سوسیالیستی، پیروز شد و توانست با وجود یورش همه جانبه و وحشیانه کشورهای امپریالیستی نخستین حکومت کارگری جهان را پایه گذاری کند. افزون بر این پیروزی انقلاب اکتبر پیروزی اندیشه های سترگ ماركس، انگلس و لنین بود که آینده را نه در چارچوب روابط غیر انسانی و نا عادلانه سرمایه

در صفحه ۳

در این شماره

شمس الواعظین در دادگاه در ص ۲

مرگ بر این روزنامه ها در ص ۲

«وای بر این نظام»، «وای بر این ولایت»!
تأملی بر محاکمه عبدالله نوری

و اکنون محاکمه عبدالله نوری، از جمله مسئولیت های سرکوبگرانه ای است که بر عهده این ارگان ضد مردمی بوده است. عبدالله نوری، که در گذشته ای نه چندان دور، نماینده «ولی فقیه»، خمینی در سپاه پاسداران، یعنی یکی از حساس ترین مسئولیت های اجرایی حکومت جمهوری اسلامی بود و زمانی نیز عهده دار مسئولیت وزارت کشور بود، امروز همچون هزاران دگراندیش غیر مذهبی، تنها به دلیل ابراز عقیده و اندیشه اش، به توطئه بر ضد نظام و انواع و اقسام جرم های ناکرده متهم است و اگر روحانی نبود، با چنین اتهاماتی، می توانست به اعدام نیز محکوم شود.

روزنامه «صبح امروز»، در سرمقاله دوشنبه ۱۰ آبان ماه خود، به درستی به این نکته اشاره می کند که: «محاکمه عبدالله نوری یک بار دیگر نهاد روحانیت را در معرض داوری عمومی قرار داده است. مردم از طریق این محاکمه به روشنی شاهد شکاف کشمکش سیاسی و ایدئولوژیک موجود در نهاد روحانیت ایران هستند...» به گفته این روزنامه روحانیت: «هیچ گاه با چنین چالش جدی، فکری و سیاسی در درون خود روبه رو نبوده است... گره خوردگی روحانیت با قدرت و محاکمه روحانیونی که نه به دلیل فساد مالی یا اخلاقی بلکه به سبب تبلیغ اندیشه هایی که با دیدگاه ها و مواضع روحانیت رسمی در تضاد و تعارض قرار می گیرد به کشمکش و شقاق موجود در روحانیت ماهیت تازه و متفاوتی می دهد.»

ما در گذشته ای نه چندان دور در بحث بر سر بحرانی که میهن ما با آن روبه روست به این نکته اشاره

ادامه در صفحه ۶

برگزاری چهار جلسه از محاکمات عبدالله نوری، وزیر سابق کشور، رئیس مستعفی شورای شهر تهران و از نزدیکان و مشاوران سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در دادگاه ویژه روحانیت، بازتاب وسیعی در رسانه های گروهی ایران و جهان داشت و رژیم «ولایت فقیه» را بار دیگر در معرض قضاوت افکار عمومی مردم میهن ما قرار داد.

نخستین سؤال در این عرصه این است که عبدالله نوری به چه دلیل در بیدادگاه ویژه روحانیت به محاکمه کشانده شده است. ادعای شماره ۴۴ صفحه ای دادستان دادگاه جای شک و شبهه ای باقی نمی گذارد که اساس اتهامات نوری، مواضع سیاسی اوست و در واقع این دادگاه همچون دادگاه های تفتیش عقاید قرون وسط که توسط کلیسای کاتولیک برپا می شدند هدفش محکوم کردن شخصی است که پا را از «گلیم خود» بیرون گذاشته و در مقابل استبداد عربان حاکم موضع گیری کرده است. نکته قابل توجه این است که دادگاه «ویژه روحانیت»، از سال گذشته، همگام با تشدید مبارزات توده ای بر ضد رژیم «ولایت فقیه» و بسط این مبارزه به قشرهای گوناگون نیروهای سیاسی - اجتماعی، از جمله نیروهای مذهبی نقش فوق العاده فعالی در «دهان بستن» و سرکوب دگراندیشان مذهبی برعهده گرفته است. محاکمه محسن کدیور، که اساس «ولایت فقیه» را زیر سؤال برد و رژیم «ولایت فقیه» را باز تولید «نظام سلطنتی» در شکل مذهبی آن ارزیابی کرده بود، و سپس محاکمه موسوی خوئینی ها، مدیر مسئول روزنامه سلام، که پرده از روی توطئه «لایحه اصلاح قانون انتخابات» و ارتباط آن با «سعید اسلامی»، جانیانکاری که معاون وزیر اطلاعات رژیم بود، برداشت

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



«انقلاب فرهنگی»، خشونت و بحران مشروعیت

به گزارش روزنامه «عصر آزادگان»، پنجشنبه ۱۳ آبان ماه، «همایش نقد و بررسی عملکرد دفتر تحکیم وحدت» به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس این دفتر در تهران برگزار شد. در این مراسم ابراهیم اصغر زاده، عضو شورای شهر تهران ضمن افشاکاری پیرامون برخی عملکردهای گروه «ذوب در ولایت»، از جمله گفت: «ده سال پیش هنگامی که در مجلس سوم سیاست های امنیتی مجلس سوم را نقد می کردم به انتخاب وزیر اطلاعات اعتراض کردم و گفتم انتخاب آقای فلاحیان مملکت را دچار ضرر خواهد کرد.» وی در ادامه همین سخنان ضمن اشاره به نقش دفتر تحکیم وحدت و «انقلاب فرهنگی» (که به بستن دانشگاه ها و اخراج هزاران دانشجوی دگراندیش منجر شد)، افزود: «انقلاب فرهنگی اگرچه اهداف قابل احترامی از نظر طراح هانشان داشته اما به جهت عملکرد غلط و انحرافی بعضی از گروه های دانشجویی و بعضی افراد که خود را منتسب به انقلاب فرهنگی می کردند، نوعی خشونت را در درون دانشگاه ها نهادینه کرد.»

اصغر زاده در جای دیگری از سخنان خود. ضمن ارزیابی اوضاع کشور، پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، گفت: «پس از دوم خرداد ۷۶ شرایطی در کشور به وجود آمد که گفتمان حاکم، که یک ایدئولوژی را به مردم می داد دچار بحران مشروعیت شد و انسان طراز جمهوری اسلامی بعد از بیست سال که باید محصول این گفتمان می بود، آن گفتمان را پس زد، یعنی در حقیقت پس از بیست سال کسی که باید رئیس جمهور سمبل جمهوری اسلامی می شد اتفاقاً آقای ناطق نوری بود و این جامعه او را پس زد یعنی آن گفتمان را قبول نداشت. بنابراین انتخاب آقای خاتمی واکنشی بود به گفتمان حاکم ...»

شمس الواعظین در دادگاه

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، محاکمه شمس الواعظین، سردبیر روزنامه توقیف شده نشاط، روز دوشنبه ۱۷ آبان ماه، در شعبه ۱۴۱۰

دادگاه عمومی تهران به ریاست سعید مرتضوی آغاز شد. بر اساس همین گزارش نماینده مدعی العموم، شریفی، چاپ مقاله باقر زاده در روزنامه نشاط را زیر علامت سؤال بردن و توهین به «مسلمات قرآنی و مقدسات دینی» دانست و گفت که این مقاله با دستور شمس الواعظین در روزنامه «نشاط» چاپ شده است. افزون بر این «جرم» شمس الواعظین به جعل امضاء نیز متهم است و شریفی در این زمینه افزود: «شمس الواعظین اعلام کرده بود که مقاله باقر زاده طی نمایی به روزنامه ارسال شده بود و در جواب درخواست این مقاله از سوی دادگاه نمایی به این دادگاه ارایه کرد که در آن نامبر طبق نظر اداره تشخیص هویت امضای باقر زاده کپی و جعل شده است...»

سیف زاده و کیل شمس الواعظین در پاسخ به این مدعیات گفت: من دادگاه و شما را صالح به رسیدگی نمی دانم و رسیدگی از نظر شکلی به این پرونده ایراد دارد. شمس الواعظین در مقابل سؤال رئیس دادگاه که آیا وی نیز به صلاحیت دادگاه اعتراض دارد یا نه گفت: «من پارسال به اتهام نشر اکاذیب، امسال به اتهام جعل اسناد محاکمه می شوم و احتمالاً سال آینده نیز به اتهام دیگری محاکمه خواهم شد.»

«نوری از انقلاب فاصله گرفته»

بر اساس گزارش روزنامه «عصر آزادگان»، یکشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۷۸، کمال دانشیار، از چهره های جناح «ذوب در ولایت» در مجلس، عضو کمیسیون نفت، در مصاحبه ای با خبرنگار این روزنامه پیرامون محاکمه عبدالله نوری، و حقانیت دادگاه ویژه روحانیت از جمله گفت: «جایگاه قانونی دادگاه ویژه روحانیت کاملاً محرز است ولی عملکرد آن نواقصی دارد که موجب شده اکثریت روحانیت و علما از عملکرد دادگاه ویژه راضی نباشند.» بر اساس همین گزارش دانشیار عبدالله نوری را به «محبوبیت گرایی» به جای «حق طلبی» متهم کرد و افزود: «عبدالله نوری از انقلاب فاصله گرفته است و فکر می کنم ایشان به دنبال تفکر دیگری از انقلاب است. حالا شاید بتواند ملت را با خود همراه کرده و انقلاب دیگری در ایران برپا کند.»

«مرگ بر این فکر»، «مرگ بر این روزنامه ها»

به گزارش روزنامه «صبح امروز»، یکشنبه ۱۶ آبان ماه، ۱۳۷۸، حسنی، امام جمعه ارومیه، در خطبه های نماز جمعه این هفته، ضمن اشاره به مطالب مندرج در یکی از روزنامه ها که خواهان بازنشسته شدن او شده بود گفت: «یکی از روزنامه ها نوشته است، که خیلی مضحک است، وقت سیاسی آقای حسنی گذشته باید بازنشسته شود. اگر وقت من گذشته رهبر عظیم الشأن انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای که از تو بهتر می داند...»

وی سپس در ادامه همین سخنان و ضمن اشاره به اینکه روزنامه ها بزرگترین آفت مملکت شده اند، افزود: «آقایانی که در ایران رابطه با اسرائیل را در مغزتان می پرورانید! می خواهید اسرائیل بر ما حاکم شود، ای مرگ بر این فکر، ای مرگ بر این روزنامه ها! ... من در گذشته مفصلاً عرض کردم و نمی خواهم زیاد تکرار کنم که اکثر دادگاه های ویژه ما دادگاه های دادگستری ما دادگاه های انقلاب ما این روزها فقط کارشان درگیر شدن با مطبوعات و آنها را به محاکمه کشیدن است. این چه مطبوعاتی است.» حسنی سپس با اشاره به برگزاری مراسم ۱۳ آبان

بدون شعار مرگ بر آمریکا از جمله گفت: «از وزارت کشور تعجب می کنم که چطور به اینها اجازه داد که امسال ۳۰۰ نفر سال آینده هم ۳۰، ۴۰ هزار نفر بشوند، چون امسال می ترسیدند که حزب الله به آنها سیلی بزند! آقای وزیر کشور چرا آن بالا را برای خودت درست می کنی، آقا بگو ما اجازه به شما نمی دهیم بفرما برو دنبال کسب خودت. ۱۳ آبان که در آن شعار مرگ بر آمریکا نباشد و نتوان پرچم آمریکا را سوزاند، ۱۳ آبان نیست.»

انتخابات در «ستاد هماهنگی جبهه دوم خرداد»

بر اساس گزارش روزنامه آزاد، یکشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۷۸، جلسه هماهنگی گروه های جبهه دوم خرداد با حضور کلیه اعضای برگزار شد. فاطمه کروبی با اعلام این مطلب اضافه کرد که: «از سوی این ستاد حجت الاسلام کروبی به عنوان مسئول استان ها و شهرستان ها و مهندس بهزاد نبوی به عنوان سخنگو و مسئول اجرایی ستاد هماهنگی جبهه دوم خرداد انتخاب شد.»

به گفته فاطمه کروبی، در پی بررسی نامزدهای انتخاباتی قرار شده است تا لیست ۱۲۰ نفره نامزدهایی که گروه ها برای تهران ارائه کرده اند به ۴۰ نفر کاهش یابد. به گفته فاطمه کروبی، از آنجا که مسئولیت ستاد مرکزی گروه های جبهه دوم خرداد بر عهده موسوی خوئینی هاست همه گروه ها حکمیت او را در مورد انتخاب لیست ۴۰ نفره پذیرفته اند.

دفاع انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر از اعضای محکوم شده

بر اساس گزارش روزنامه «عصر آزادگان»، یکشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۷۸، در پی صدور حکم مجازات برای تنی چند از اعضای این انجمن، انجمن اسلامی دانشجویان امیر کبیر با انتشار بیانیه ای به احکام صادره اعتراض کرد. بر اساس همین گزارش، انجمن اسلامی در اعلامیه خود از جمله اشاره کرده است که مدت چهل روز است سکوت اختیار کرده است و به توصیه «مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی صانمی»، و به لحاظ «مصالح و منافع ملی» موضع رسمی اتخاذ نکرده است.

اعلامیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر در پایان تأکید کرده است که: «پرونده اعضای محترم و بی گناه خویش را تا تحقق کامل عدالت دنبال خواهد کرد.»

ادامه سالگرد انقلاب کبیر اکتبر ...

داری و مبلغان آن بلکه در نظامی انسانی و متکی بر اراده توده های کار و زحمت می دیدند.

انقلاب اکتبر و دست آوردهای آن از یک کشور عقب مانده سرمایه داری، ابر قدرتی پدید آورد که توانست یک تنه توازن قوا در جهان را به ضرر یکه تازی امپریالیسم و به نفع نیروهای صلح و ترقی تغییر دهد، و جامعه ای را بنا کند که با وجود کمبودها و نارسایی ها در بسیاری از زمینه های فرهنگی، تولیدات صنعتی، کشاورزی و پیشرفت های تکنولوژیک با پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری به رقابت برخیزد.

جوامعی که با آرمان های اکتبر در اتحاد جماهیر شوروی و سپس در کشورهای دیگر اروپای شرقی، تاج جنوب شرقی آسیا و آمریکای مرکزی بنا شدند، نخستین ساختارهای اجتماعی - اقتصادی بودند که در آنها مالکیت بر وسایل تولید از دست گروه اندکی خارج شد و تأمین عدالت اجتماعی مهمترین ملاک برنامه ریزی اقتصادی - اجتماعی این کشور ها قرار گرفت. اندیشه های دوران ساز، پیشرو و مترقی که جهان ما را در قرن بیستم به شدت تحت تأثیر قرار دارد، تلاش برای ایجاد سیستم بهداشت و آموزش رایگان برای همه، تأمین اجتماعی، به رسمیت شناختن حقوق کارگران و زحمتکشان، گام برداشتن در تحول همه جانبه حقوق زنان در جامعه و مبارزه بر ضد جنگ، برای جهانی آکنده از صلح و برابری، مستقیم و غیر مستقیم از ثمرات و تأثیرات انقلاب کبیر اکتبر و نخستین کشور شوراها در جهان ما بود.

مخالفت سرسختانه سرمایه داری و مبلغان این نظام با اکتبر نیز بیش از هر چیز به دلیل نگرانی آنها از تأثیر اکتبر بر حیات جامعه بشری بود. تحولات سال های پایانی دهه هشتاد و فروپاشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و سرنوشت اسف انگیز و تکان دهنده ای که امروز این کشورها در آن قرار گرفته اند درس های گران بهایی است در اهمیت اکتبر و دست آوردهای عظیم آن. امروز سرزمین اتحاد شوروی سابق از یک ابر قدرت جهانی به یک منطقه اسیر در دست گروه های جنایتکار و مافیایی با فقر سیاه و محرومیت میلیون ها شهروند از حداقل حقوق خود بدل شده است و گوشه و کنار آن در آتش جنگ داخلی، تخریب و برادر کشی می سوزد. هیچ جمهوری، در اتحاد شوروی سابق و یا کشوری را در اروپای شرقی نمی توان پیدا کرد که ده سال پس از فروپزنی سیستم سوسیالیستی در آن وضعیت آن بشدت وخیم و فاجعه بار نشده باشد. چه آزمونی بالاتر از این. مردم این کشورها هم سیستم سرمایه داری را آزموده اند و هم سوسیالیسم را و امروز در همه پرسی های گوناگونی خواهان بازگشت دست آوردهایی هستند که اکتبر کبیر در کشورشان ایجاد کرده بود.

اکتبر همچنین تأثیر شگرفی در جنبش های رهایی بخش ملی در سراسر جهان برجای گذاشت. تنها به دلیل وجود کشور شوراها و توازن نیرو بین امپریالیسم و اردوگاه سوسیالیسم بود که در پی جنگ جهانی دوم، که به دست سرمایه داری جهانی آتش آن فروخته شده بود، نقشه سیاسی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق نورالدین کیانوری در گذشت

رفیق نورالدین کیانوری، روز جمعه چهاردهم آبان ۱۳۷۸، پس از سال ها، اسارت، آزار، اذیت و شکنجه در زندان های رژیم «ولایت فقیه»، در سن هشتاد و چهار سالگی در گذشت.

رفیق کیانوری در سال ۱۲۹۴ در شهرستان نور، در مازندران متولد شد و از همان دوران جوانی، از سال ۱۳۲۱، به مبارزه علیه استعمار و استبداد روی آورد و به صفوف حزب توده ایران پیوست. او در سال ۱۳۲۴ به عضویت کمیته مرکزی و سپس در سال ۱۳۲۶ به عضویت هیأت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شد. رفیق کیانوری، در جریان اوج گیری انقلاب بهمن ۱۳۵۷، به مسوولیت دبیر اولی کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد و این مسوولیت را تا هنگام دستگیری در بهمن ماه ۱۳۶۱ عهده دار بود.

رفیق کیانوری از جمله نخستین رهبران حزب توده ایران بود که در یورش ددمشانه باسداران جهل و استبداد، به اسارت رژیم درآمد و فوراً زیر شدید ترین شکنجه ها قرار گرفت. جلادان جمهوری اسلامی، پس از ماه ها شکنجه های وحشیانه و مداوم سرانجام بدن در هم کوفته و نیم فلج او را در مقابل دوربین های تلویزیونی قرار دادند تا او اعتقادات پنجاه ساله خود را گالیله وار «نفی» کند، حقانیت تاریخی حزب توده ایران را «انکار» نماید و به «جرم» های ناکرده «اعتراف» کند.

این اقدام هولناک و وحشیانه رژیم بیش از آنکه به اعتبار و حقانیت حزب توده ای ما لطمه ای وارد کند، پرده از ماهیت کریه و ضد انسانی رژیم برداشت که وامانده و شکست خورده در عرصه منطق و استدلال، و هراسناک از رشد، و گسترش اندیشه های حزب توده ایران در میان کارگران و زحمتکشان کشور، تلاش می کرد تا با توسل به غیر انسانی ترین شیوه ها برای خود حقانیت و اعتبار دست و پا کند، و با سرکوب حزب توده ایران زمینه را برای متوقف کردن و سرانجام به شکست کشاندن انقلاب بهمن ۵۷ مهیا سازد. با وجود ادعاهای پوچ رژیم، مبنی بر عدم شکنجه رهبران حزب توده ایران، رفیق کیانوری در نخستین فرصتی که به دست آورد در دیدار با رنالدو گالیندویل، فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد، پرده از اعمال جنایتکارانه رژیم در زندان ها برداشت. گالیندویل در گزارش خود در این زمینه نوشت: «سه تن از اعضای پیشین حزب توده در یک سلول بسر می بردند. آقای کیانوری، دبیر کل سابق، یکی از کادرهای بالا و یک عضو ساده. تنها آقای کیانوری پذیرفت که نامش در گزارش بیاید. او به شدت انکار کرد، که جاسوس یک قدرت خارجی بوده و قصد براندازی دولت انقلابی را داشته است. وی در برابر مسوولان و کارمندان زندان تأیید کرد، که شکنجه شده بود. دست های نیمه فلج و انگشتان شکسته خود را نشان داد و از دیگر شیوه های آزار سخن گفت... آقای کیانوری، دبیر کل سابق حزب توده، اعدام هزاران جوان را که به گفته او بی گناه بودند، محکوم کرد...» (از گزارش فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به تهران - اسفندماه ۱۳۶۸). به همین دلیل بود که رژیم جمهوری اسلامی با وجود کهولت سن و بیماری شدید او را تا آخرین روزهای عمرش زیر نظر و مراقبت دایمی داشت، تا مبادا ابعاد جنایات هولناکش در زندان ها بیش از پیش افشا شود. در سال های اخیر، در عین حال، وزارت اطلاعات رژیم مذبحخانه تلاش کرد تا با انتشار کتاب «خاطرات کیانوری» و چاپ مصاحبه ها، مقاله ها و ... برنامه شکست خورده «اعتراف» های تلویزیونی را این بار در پوشش جدیدی اجرا کند، که این ترنند رژیم نیز با هشیاری حزب و توده ای ها در داخل و خارج از کشور با شکست روبرو شد. رفیق کیانوری نقش موثری در تاریخ معاصر کشور ما ایفا کرد. از رفیق کیانوری ده ها مقاله، نوشته و جزوه کوتاه، پیرامون مسایل گوناگون سیاسی، تشکیلاتی و نظری برجای مانده است. ما در گذشت رفیق کیانوری را به همسر و دخترش و تمامی اعضا، و هواداران حزب توده ایران تسلیت می گوئیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۵ آبان ماه ۱۳۷۸

ادامه در صفحه ۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

فقر سیاه، و مسئله ی امنیت غذایی

در رژیم ولایت فقیه

ایران قرار گیرد. کانادا، همواره از صدور گندم به ایران سود سرشاری کسب کرده است. چندی پیش، کانادا موفق شد قراردادی پر سود با دولت به امضاء برساند که طبق آن بیش از یک میلیون تن گندم دیگر، علاوه بر قراردادهای قبلی، به ایران صادر کند.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا، استرالیا، زلاندنو و کانادا، علاوه بر گندم، بسیاری از فرآورده های کشاورزی از قبیل گوشت قرمز، گوشت مرغ، فرآورده های شیری، ذرت، روغن و جز اینها را، در شرایطی نابرابر، به ایران صادر می کنند. همه این ها در حالی است که توانایی کشاورزی ایران پیوسته در حالت سقوط بوده است. چند ماه پیش در جریان گردهمایی «سامان دهی تولید و توزیع مرغ در تهران» اگر می نماینده رژیم در مجلس ارتجاع، خاطر نشان ساخت: «بر اساس آمار اعلام شده، سالیانه بیش از ۵ میلیارد دلار برای واردات مواد غذایی و کالاهای اساسی اختصاص می یابد و هر ساله این مبلغ افزایش می یابد.»

● اثرات مخرب نسخه های صندوق بین المللی پول در کشاورزی وابستگی شدید ایران به غرب در زمینه تامین مواد غذایی خود، در شرایطی است که، میهن ما از زمره آن مناطقی به شمار می آید که دارای استعدادها و توانایی های بالفعل برای رشد و شکوفایی بخش کشاورزی است.

بر پایه آخرین آمار منتشره، ایران دارای ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل کشت و ۳۷ میلیون هکتار اراضی مستعد و مرغوب است. از این میلیون ها هکتار در حال حاضر فقط اندکی بیش از ۱۸ میلیون هکتار زیر کشت و در چرخه تولید قرار دارند. ۱۱ میلیون هکتار از این میزان مربوط به دیم کاری است. اصولاً کشاورزی ایران بررغم استعدادهای فراوان آن، از فن آوری نوین بی بهره مانده و کشاورزی مدرن و مکانیزه به معنای واقعی کلمه در ایران وجود ندارد. با هر سیل و نگرگ و یا خشک سالی، میلیون ها تن محصولات کشاورزی نابود می شوند. همین امسال در اثر کمبود آب و خشک سالی و نیز جاری شدن سیل و دیگر مصائب طبیعی، در چهار گوشه ایران، میلیون ها تن محصول نابود شد. در مراغه، سرمای نا به هنگام اردیبهشت ماه، باعث شد که ۶۰ تا ۸۰ درصد باغ های انگور، آلوچه، سیب، گردو، زردآلو و بادام خسارت ببینند. در استان ایلام، خشک سالی سبب گردید در دره شهر بیش از ۹ هزار هکتار مزارع گندم به کلی از میان برود.

مشکل کم آبی در مازندران، یعنی در یکی از مستعدترین مناطق کشاورزی کشور، میلیون ها تومان به کشاورزان خسارت وارد آورد. بر پایه آمار رسمی وزارت کشاورزی، ۶۰ درصد تولید گندم ایران امسال از میان رفته است. روزنامه «همشهری» در تاریخ ۲۲ شهریور ماه امسال، نوشت که، در اثر خشک سالی ۶ میلیون تن محصول کشاورزی از بین رفت. خشک سالی در حالی کشاورزی ایران را نابود می سازد که، کشور با کوچک ترین بارندگی دچار معضل سیل می شود!! همه این ها نشانگر عدم وجود برنامه از سوی رژیم و نبود فن آوری نوین در کشاورزی است.

سال گذشته، رئیس کمیسیون مجلس شورای اسلامی، طی گفتگویی با خبرنگاران، آماری را ارائه داد که ژرفای فاجعه در تولید کشاورزی را ثابت می کند. وی تأکید کرد: «در حال حاضر ۱۷ میلیون هکتار از اراضی زراعی ما به صورت آبی، دیمی و یا باغبانی زیر کشت و کار است. کمبود اعتبار سبب شده تا عرصه عظیمی از کشاورزی ما دست نخورده باقی بماند، و نیروی متخصص و آموزش دیده و فارغ التحصیلان نیز بی کار باشند. میزان تخریب جنگل ها به اندازه بی است که غیر قابل جبران به نظر می رسد. جنگل های

به گزارش رسانه های همگانی جمهوری اسلامی، در اواخر شهریور ماه سال جاری خورشیدی، پنجمین همایش تغذیه ایران برگزار شد. در مراسم گشایش همایش مذکور، فرهادی، وزیر بهداشت، در سخنرانی خود آمار و ارقامی را بازگو کرد که، از مسئله فوق العاده مهم امنیت غذایی مردم میهن ما در اوضاع کنونی، تصویری دردناکی به دست می دهد. وزیر بهداشت، در قسمتی از سخنان خود، از جمله یادآور شد: «مطالعه هزینه خانوارها نشان می دهد که ۲۱ درصد جامعه، محروم از دسترسی اقتصادی به منظور سیری شکم هستند و حدود ۵۱ درصد برای تامین سیری سلولی دچار مشکل می باشند. از هر چهار کودک، یک کودک در معرض خطر سوء تغذیه در سنین کودکی است و کودکان در روستاها بیشتر در معرض این خطر قرار دارند. از هر ۶ زن ایرانی یک زن دچار کم خونی ناشی از فقر آهن است. مرگ و میر ناشی از بیماری های قلب و عروق بخصوص در شهرهای بزرگ رو به افزایش است.»

مسئله ی امنیت غذا و تغذیه در جهان امروز، از شاخص های مهم رشد و پیشرفت جامعه، و در عین حال استواری امنیت ملی یک کشور به شمار می آید. بنا به اعتراف صریح وزیر بهداشت رژیم، ۲۱ درصد مردم ایران از دسترسی به تامین تغذیه خود به کلی محروم اند و ۵۱ درصد نیز مشکل سیری سلولی دارند. به این ترتیب، بر پایه آمار رسمی جمهوری اسلامی، امنیت غذایی در جامعه امروزی ایران، برای اکثریت مردم وجود ندارد. علاوه بر آن، دورنمای روشنی نیز در این مورد به چشم نمی خورد. بر مبنای این واقعیت هاست که، برخی کارشناسان، با توجه به جمعیت کشور و سیر نزولی تولیدات کشاورزی و ورشکستگی شدید مالی دولت، خطر گرسنگی در آینده یی نزدیک را بعید و دور از انتظار نمی دانند! خطر گرسنگی، تهدیدی است که باید آن را جدی گرفت، و تأکید کرد، رژیم ولایت فقیه فاقد برنامه یی مدون و کارآمد برای حل و یا مقابله آن است.

● ایران، در زمره بزرگ ترین وارد کنندگان مواد غذایی جهان: به گزارش منابع معتبر بین المللی، از چند سال پیش به این سو، ایران در رده بزرگ ترین وارد کنندگان مواد غذایی در جهان قرار گرفته است. در اوایل شهریورماه سال جاری خورشیدی، معاون وزیر بازرگانی اعلام داشت که، فقط در نیمه نخست امسال، ۵/۶ میلیون تن گندم، ۸۱۱ هزار تن برنج سفید، ۷۸۱ هزار تن روغن خام و ۸۸۱ هزار تن شکر خام و سفید از خارج خریداری شده است. مقایسه این ارقام با مدت مشابه آن در سال گذشته، نشان از افزایش چشمگیر واردات مواد غذایی دارد.

در اثر عملکرد خائنانه رژیم ولایت فقیه، به ویژه در دوران هشت ساله ریاست جمهوری رفسنجانی، تولیدات کشاورزی، در اثر اجرای دستورات صندوق بین المللی پول، با سقوط فاحش رو به رو گردید. تخریب شالوده های تولیدی در عرصه کشاورزی سبب شد که ایران در زمینه تامین مواد غذایی بیش از پیش نیازمند واردات از غرب شود. وابستگی شدید ایران به واردات فرآورده های غذایی از کشورهای سرمایه داری پیشرفته، بخشی از برنامه های صندوق بین المللی پول بوده و است که، توسط رفسنجانی و شرکاء عملی شد، و اکنون نیز هم چنان ادامه دارد. هم اینک بازرگانان و شرکت های بزرگ و دولت های غربی، سرمایه گذاری هنگفتی را برای صدور مواد غذایی و محصولات کشاورزی به بازار ۶۰ میلیونی و بکر و پر سود ایران انجام داده اند و ایران به لحاظ محل صدور مواد غذایی یک بازار استراتژیک برای آنها محسوب می شود. در تابستان امسال، کشاورزان فرانسوی، زیر حمایت قاطع دولت فرانسه، توانستند نزدیک به یک میلیون تن گندم به ایران صادر کنند و نیز فرانسه توانست در کنار کانادا، استرالیا و آرژانتین در صدر جدول کشورهای صادر کننده گندم به

ادامه فقر سیاه و مسئله امنیت غذایی ...

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰
تعداد کل روستاها	۸۲/۳۶۳	۹۲/۰۰۷	۱۰۳/۹۲۰	۱۲۴/۶۱۷
خالی از سکنه	۱۵/۹۲۵	۲۶/۹۵۲	۳۸/۵۷۱	۵۹/۹۹۰
درصد روستاهای تخلیه شده	۱۹/۳	۲۹/۳	۳۷/۳	۴۸/۱

«روند تخلیه روستاهای ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰» کیهان ۲۷ تیرماه ۱۳۷۷

شمال با سرعت زیاد در حال بهره برداری است، و شیب تند کوه های این منطقه از کشور سبب شده شدن این کوه ها خواهد شد که در واقع یک فاجعه تاریخی در این مناطق در حال وقوع است. «در عین حال، به معضلات عرصه کشاورزی باید فقر دهقانان و روند تخلیه روستاهای کشور را نیز افزود. جدول زیر روند تخلیه روستاها از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰ را نشان می دهد. (جدول شماره ۱)

بر اساس آمار ارایه شده از سوی مدیر کل بهسازی و مسکن وزارت جهاد سازندگی طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۲/۲ میلیون نفر از روستائیان محل سکونت خود را ترک کرده و ۷۰ درصد از آنها راهی شهرها شده اند. آمار نشان می دهد که سالیانه به طور میانگین، حدود ۱۲۰ هزار نفر از روستاها به شهرها مهاجرت می کنند. در ابتدای سال ۱۳۷۳ خورشیدی بالغ بر ۳۸ هزار و ۶۰۰ آبادی کشور یعنی بیش از ۵۰ درصد خالی از سکنه شده اند. طی دو دهه پس از انقلاب، تعداد روستاهای متروکه و خالی از سکنه نسبت به پیش از انقلاب ۲/۵ برابر شده است. فقر وعدم تامین زندگی در روستاها، مهم ترین عامل مهاجرت و روند کاهش چشم گیر جمعیت روستائی کشور است. دهقانان بی زمین و کم زمین بیش از ۷۰ درصد واحدهای بهره برداری را تشکیل می دهند و در اثر عدم اجرای اصلاحات ارضی بنیادین به سود تهری دستان روستا، فقر گلوئی زحمتکشان روستایی را به سختی می فشارد.

وزیر کشاورزی، سال گذشته، طی مصاحبه بی، اعتراف کرده بود که، مشکل اساسی کشاورزی از جمله عدم تأمین سرمایه لازم از سوی دهقانان خرده پاست. وی متذکر شده بود که، نزدیک به ۹۰۰ هزار بهره بردار (دهقان) در کشور وجود دارد که زیر یک هکتار زمین دارند، و اینها افرادیند که سرمایه ندارند و قدرت جذب سرمایه را نیز دارا نیستند. هم چنین باید تاکید کرد، دولت و ارگان های مربوطه، قادر به تامین سرمایه لازم و تخصیص اعتبارات عمرانی مناسب برای روستاها و در جهت رشد تولید کشاورزی نیستند. بودجه عمرانی کشاورزی از ۸/۴ درصد در برنامه اول، به ۴/۵ درصد در برنامه دوم کاهش یافته، و روند سرمایه گذاری در کشاورزی مرتب به قهقرا می رود، این روند منفی چنان شتابان است که بر اساس برآورد کارشناسی، سالی ۲/۵ درصد از آن کاسته می شود.

واگذاری زمین های مرغوب به کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و گسترش و رواج اقتصاد دلالی از دیگر جنبه های سیاست رژیم و نتیجتاً فروپاشی توانایی تولیدی در بخش کشاورزی است.

بنیاد مستضعفان و سازمان امور ارضی وابسته به وزارت کشاورزی، زمین های قابل کشت و مناسب را به دلان، فرماندهان سپاه و وزارت اطلاعات، با کم ترین، قیمت واگذار کرده و می کنند. تمامی این زمین ها از چرخه تولید کشاورزی خارج و عملاً نابود می شوند. طی یک سال اخیر، علاوه بر آن چه اشاره شد، وزارت کشاورزی سیاست نوین دیگری را در عرصه کشاورزی ایران مورد تبلیغ و حمایت مادی و معنوی قرار داده و در صدد اجرای پیگیر آن است، این سیاست که از سوی صندوق بین المللی پول به جمهوری اسلامی دیکته شده عبارت است از تبدیل مزارع و کشت زارهای گندم، شالی زارهای برنج و دیگر محصولات استراتژیک و حیاتی به محصولات غیر ضرور و مورد درخواست صندوق بین المللی پول و به طور کلی امپریالیسم، و در نهایت نابودی محصولات استراتژیک در ایران است. به این ترتیب کشور ما به عنوان کشوری که قادر به تامین محصولات کشاورزی حیاتی نیست، کاملاً در زمینه مواد غذایی به غرب وابسته می شود. در واقع کشاورزی ایران به زائده بی ارزش محصولات کشاورزی غرب بدل می گردد. از جمله طرح های خائنانه، تبدیل شالی زارهای برنج گیلان به باغ های چای است. عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی در اواسط شهریور ماه سال جاری رسماً اعلام کرد: «وزارت کشاورزی برای افزایش سطح درآمد کشاورزان و کسب درآمدهای ارزی برای کشور از تبدیل زمین های شالی زار شمال به باغ های چای استقبال می کند.»

وی در مراسم افتتاح یک کارخانه چای خشک کنی در بخش سلمان شهرستان لنگرود تاکید کرد: «در حال حاضر میزان سودآوری جهانی یک هکتار چای برابر هشت هکتار برنج است.» هم چنین کلانتری خواستار خصوصی شدن کامل صنعت چای و لغو انحصار دولتی چای شد و آشکارا خواستار آن گردید که در کوتاه ترین زمان ممکن ۲۳۰ هزار هکتار شالی زار در گیلان به باغ چای بدل شود. علاوه بر تبدیل زمین های شالی زار، وزارت کشاورزی به طور رسمی مانع از افزایش سطح زیر کشت گندم و در نتیجه افزایش تولید گندم می شود.

عیسی کلانتری طی مصاحبه بی در شهریور ماه ۱۳۷۸ خورشیدی اعلام داشت:

«وزارت کشاورزی قادر به افزایش میزان تولید گندم به سالانه ۲۰ میلیون تن است، ولی این مقدار تولید، کشاورزی و اقتصاد کشور را با بحران جدی مواجه خواهد کرد. حفظ توان تولید گندم در مرز ۱۰ میلیون تن در سال مطلوب است، تولید اضافه از نظر اقتصادی و هزینه های سنگین آن به صلاح نیست.» پرسش اینجاست، اگر تولید اضافه، یعنی بیش از ۱۰ میلیون تن گندم، کشور را با بحران روبه رو می سازد، چرا هر ساله میلیون ها تن گندم از اروپا، استرالیا، کانادا و آرژانتین وارد می شود؟ و اصولاً چرا تولید ملی بحران زاست، ولی واردات خارجی بحران آفرین نیست؟ آیا تخصیص اعتبارات لازم مالی به بخش کشاورزی به سود منافع ملی و تامین امنیت غذایی مردم است، یا صرف میلیاردها دلار برای واردات محصولات کشاورزی از خارج؟ رژیم ولایت فقیه حاضر به پرداخت سالیانه بیش از ۵ میلیارد دلار برای خرید محصولات کشاورزی می باشد، اما حاضر به پرداخت نیمی از این مبلغ به کشاورزان و بخش کشاورزی نیست! ۵ میلیارد دلار هزینه واردات محصولات کشاورزی از خارج درست ۲۵ برابر سرمایه گذاری سالانه دولت در بخش کشاورزی است. واردات هر تن گندم طی سال های اخیر بین ۱۳۵ تا ۲۱۰ دلار بوده است، رژیم ولایت فقیه بر خلاف منافع و حقوق مردم، میل به پرداخت چنین هزینه هایی به خارجیان است، اما حاضر به سرمایه گذاری در کشاورزی نیست. هم چنان که اشاره شد، رژیم بنا به ماهیت واپس مانده خود، پیرو و مجری برنامه های صندوق بین المللی پول است. وابستگی به واردات مواد غذایی از غرب و فروپاشی توانایی بخش کشاورزی ثمره و پیامد اجرای این برنامه هاست!

کوتاه سخن: رژیم ولایت فقیه از آنجا که مجری دستورات صندوق بین المللی پول در میهن ماست، قادر به تامین امنیت مواد غذایی مردم نیست. نهادهای قدرت مند سرمایه داری جهانی، با نقشه بی حساب شده، هم چنان که در دیگر نقاط جهان عمل کرده اند، در صدد نابودی کامل بنیه تولیدی به ویژه در عرصه کشاورزی، ایرانند. قاطعانه باید گفت که، رژیم ولایت فقیه عامل اجرای این برنامه قلمداد می شود.

ادامه هشتاد و یکمین سالگرد انقلاب اکبر ...

جهان متغیر شد و نظام امپراطوری کهن سرمایه داری درهم فرو ریخت و بر ویرانه های آن ده ها کشور نو پا و آزاد بنا شد. تأثیرات اکبر در میهن ما نیز شگرف بود. نفوذ اندیشه های دوران ساز اکبر برای رهایی و آزادی از قید و بندهای ارتجاع و استبداد، تمامی جنبش های رهایی بخش ملی در میهن ما را از انقلاب مشروطیت تا جنبش ملی کردن نفت تحت تأثیر خود قرار داد و فرهنگ عقب مانده جامعه را به کلی دگرگون کرد. کمتر روشنفکر، نویسنده، شاعر، هنرمند و مبارز اجتماعی را می توان در میهن ما سراغ گرفت که مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر انقلاب اکبر و آرمان های والای آن قرار نگرفته باشد.

دفاع امروز ما از اکبر و آرمان های آن نه از سر دگماتیسیم و یا «آرزوهای بر باد رفته» بلکه از سر اعتقاد به حقیقتی است که آینده بشریت سرمایه داری و نظام غیر عادلانه استثمار فرد از فرد نیست. اکبر به گمان ما سنگ پایه آزمونی بزرگ بود برای آفرینش آینده ای که با شریف ترین و انسانی ترین آرزوهای دیرینه بشریت همخوانی شگرف داشته و دارد.

بذرهایی که با پیروزی انقلاب اکبر در سراسر جهان افشاندند شد، میلیون ها نفر را به مبارزه ای انسانی و عدالت خواهانه جلب کرد که در تاریخ بشریت بی سابقه بوده است. بشریت بهترین، والاترین و انسانی ترین آرمان های خود را در محتوای سوسیالیسم گنجانده است که آرزوهایش در ساختن فردایی آزاد، پیشرفته و عادلانه است. اندیشه و آرمان سوسیالیسم دیگر شیخ نیمه قرن گذشته نیست، که مارکس و انگلس از آن سخن می گفتند، بلکه واقعیتی غیر قابل انکار است که راه خود را به سوی آینده خواهد گشود.

ادامه پنجاهمین سالروز انقلاب چین

سرگذارده است. در این تاریخ طولانی، ملت چین با درایت، قوه ابتکار و خلاقیت برجسته، نقشی انکارناپذیر در تکامل تمدن بشری ایفا کرده است. در هزاره جدید، ملت چین با دستاوردهای جدید و باشکوه نقشی بزرگ تر خواهد داشت.

«ما سیاست اعاده یک پارچگی صلح آمیز و یک کشور، دو سیستم» را ادامه خواهیم داد و نهایتاً یک پارچگی ملی مان را متعاقب بازگشت موفقیت آمیز هنگ کنگ و ماکائو، با پیوستن تایوان به سرزمین اصلی به دست خواهیم آورد. یک پارچگی کامل و حفظ و تامین امنیت آن پایه اصلی جوانی دوباره و پر عظمت ملت چین و عزم خلل ناپذیر تمامی مردم چین است. ما به سیاست خارجی مستقل مان در رابطه با صلح و توسعه، روابط دوستانه و همکاری با تمامی کشورها بر پایه پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز ادامه خواهیم داد. مردم چین چون همیشه در کنار مردم و کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان بوده، با برتری طلبی مقابله کرده و از ارتقاء جهانی چند قطبی، در جهت ایجاد یک نظم نوین عادلانه و منصفانه سیاسی و اقتصادی، حمایت می کنند و به طور بی امان در جهت تحقق امر والای صلح و توسعه جهان تلاش خواهند کرد.»

«کار، کار سختی است، و سختی ها به توسعه جدید خواهد انجامید. این یک قانون همگانی جهانی است. چین آینده بی نهایت روشنی دارد. بیایید تا پرچم کبیر مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه های مائوتسه دون و تئوری دون سیائو پین را برافراشته نگه داشته و شجاعانه راهمان را به سوی اهداف رفیع مان ادامه دهیم. چین مطمئناً به عنوان یک کشور سوسیالیستی مدرن، مرفه، قدرتمند، و دموکراتیک، و به لحاظ فرهنگی، پیشرفته در شرق جهان ظهور خواهد کرد.»

ادامه «وای بر این نظام» «وای بر این ولایت» ...

کردیم که ارتجاع حاکم، از همان فردای پیروزی دوم خرداد ۷۶، به این نتیجه رسیده است که دوم خرداد ۷۶، یک اشتباه استراتژیک بود که باید آن را فوراً تصحیح کرد و اجازه نداد تا به «اساس نظام» لطمه ای وارد شود. بر اساس همین سیاست است که نیروهای مدافع استبداد و حفظ «ولایت مطلق فقیه» در دوسال و نیم گذشته، از تهدید به «گردن زدن» و «زبان بریدن» تا ترور نفرت انگیز نویسندگان و شخصیت های مترقی اجتماعی - سیاسی تا بستن روزنامه های مخالف، و یورش وحشیانه به جنبش دانشجویی همه امکانات را در سد کردن تحقق خواست های جنبش مردمی به کار گرفته اند. ما در ارزیابی همین تحولات همچین افزودیم که با تشدید بحران سیاسی کشور، صف نیروهای «خودی» و «غیر خودی» دستخوش تحولات جدی خواهد شد و نیروهای ترقی خواه موظفند از این روند به نفع جنبش ترقی خواهانه و گسترش صفوف جبهه واحد ضد دیکتاتوری بهره جویند. ما نوشتیم: «ما عمیقاً بر این اعتقادیم که تا آنجائی که برخوردها در بالاترین بر سر چگونگی حفظ «نظام» است، همیشه این خطر وجود دارد که در حساس ترین مقاطع بین نیروهای «خودی» بر سر حفظ این مجموعه سازش شود. ما در ضمن بر این نکته نیز واقفیم، که در دوسال گذشته، بسیاری از نیروهای «خودی» زیر تأثیر مستقیم جنبش، جای خود را تغییر داده اند و اکنون به نظر رژیم جزو نیروهای «محراب» و «ضد نظام» محسوب می شوند. این پدیده با اهمیتی است که، در واقع، نشانگر عمق بحران و ورشکستگی نظری - فکری رژیم «ولایت فقیه» است. (نامه مردم، ۵۵۸، ۴ خرداد ماه ۱۳۷۸).

عبدالله نوری نیز در دفاعیات خود نظر مشابهی را به این شکل مطرح می کند: «اتفاقی که افتاده است این است که امروز یک روحانی مدعی است که کار یک روحانی دیگر، توهین، افترا و نشر اکاذیب و هدفش ضربه زدن به نظام، اسلام و در خط معاندت با دین قرار دارد و در جهت مقابله با اسلام، و مرجعیت دینی گام بر می دارد.» نوری سپس در جمع بندی جالب و جسورانه ای از عملکرد رژیم «ولایت فقیه» که اوضاع را به چنین بحرانی کشانده است می گوید: «اگر این آقا [دادستان] راست می گوید وای بر روحانیتی که من در آن هستم و اگر این آقا [نکو نام] دروغ می گوید وای بر روحانیتی که این آقا [دادستان] در آن قرار دارد. من بیست سال در این کشور مسئول بودم. اگر این آقا راست می گوید وای بر نظامی که بیست سال من در مسئولیتش قرار داشتم و اگر این آقا دروغ می گوید وای بر نظامی که این آقا [دادستان] در مسئولیتش قرار دارد. اگر ثمره انقلاب بعد از بیست سال، پرورش چهره ای مثل من است وای بر این انقلاب و اگر پرورش چهره ای مثل این آقا است باز هم وای بر این انقلاب. اگر نماینده ولی فقیه پس از بیست سال وضعیت مثل من بشود وای بر این ولایت و اگر مثل این آقا [دادستان] می شود باز هم وای بر این ولایت. اگر ثمره دینی ما بعد از این همه عمر و تبلیغ دین، فردی مثل من می شود وای بر این دین و اگر فردی مثل این آقا دادستان می شود وای بر این دین. آیا ثمره خون شهیدان این بود که امروز خانواده های شهدا بشینند و جمع بندی شان این باشد که بالاخره خون بچه های ما پای افرادی رفته که یا این هستند یا آن.» (نگاه کنید به روزنامه «آزاد»، یکشنبه ۹ آبان ماه ۱۳۷۸).

عبدالله نوری در جلسه دیگر دادگاهش، ضمن اشاره به جنایت سعید اسلامی و ناراحتی جناح «ذوب در ولایت» از افشای این جنایت توسط روزنامه «خرداد» و اعتراض های این روزنامه به جنایتکارانی همچون تقدی و دیگر چماق داران درجه دار رژیم می افزاید: «جنایت در هر لباسی جنایت است.»

دفاعیات عبدالله نوری، بی شک سند محکمی در محکومیت رژیم است که بریده از توده ها امروز حتی تاب و توان تحمل متحدان و یاران دیروزی خود را ندارد و در تلاش است تا با استفاده از حربه های پوسیده ای همچون دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطایی دهان مخالفان خود را بسته و اجازه ندهد تا موج اعتراض و انزجار مردمی از ادامه حیاتش بیش از این گسترده شود.

محاکمه عبدالله نوری از منظر دیگری نیز قابل تأمل است. عبدالله نوری، نامزد جبهه ائتلاف دوم خرداد برای شرکت در انتخابات مجلس ششم، و حتی ریاست مجلس آینده بود. ارتجاع با توجه به تجربیات گذشته و خصوصاً تجربه انتخابات شوراهای شهر تهران خود می داند که عبدالله نوری می توانست به راحتی بیشترین آراء را در انتخابات تهران نصیب خود کند و رژیم «ولایت فقیه» را در بحران عمیق تری فرو برد. آراء گسترده عبدالله نوری در انتخابات شوراها در تهران، در حالی که او توسط موحدی ساوجب و دیگر انصار «ولی فقیه» به دلیل ضدیت با «ولایت فقیه» صلاحیتش رد شده بود نشان داد که خواست ها و آرمان های مردمی که در دوم خرداد نامزد رسمی رژیم «ولایت فقیه» را با آنچنان شکست مفتضحانه ای روبه رو کرد، همچنان با حرارت و گستردگی در بطن جامعه ما می جوشد و باز اگر امکان یابد از جای دیگری بروز خواهد کرد.

عبدالله نوری در مقابل این ترند ارتجاع اعلام کرده است که اگر او توسط شورای ارتجاع (نگهبان) رد صلاحیت نیز بشود، در انتخابات شرکت خواهد کرد، چنین تاکتیکی با توجه به تجربه انتخابات شوراها، حربه موثری است که می توان و باید از آن در مقابله با تلاش های نیروهای ارتجاعی استفاده کرد. انتخابات مجلس ششم، کارزار و آزمون بزرگی برای جنبش مردمی و ترقی خواهانه میهن ماست. در این کارزار باید از همه امکانات برای درهم شکستن توطئه ارتجاع و تحمیل یک مجلس ضد مردمی دیگر به میهن ما استفاده کرد. اتحاد وسیع همه نیروهای مترقی و آزادی خواه، چه مذهبی و چه غیر مذهبی و به صحنه کشاندن توده ها برای تحمیل خواست به آنها ارتجاع حاکم وظیفه ای درنگ ناپذیر و حیاتی است.



امپریالیسم نظامی در خاورمیانه

بزرگ ترین ممانور نظامی ناتو در خاورمیانه در دهه اخیر، که در اوایل آبان ماه با شرکت ۷۳۰۰۰ نظامی از ۱۱ کشور در جریان بود، در روز ۱۰ آبان ماه به پایان رسید. «عملیات ستاره درخشان»، که شامل مانورهایی در دریا و نیز در بیابان های شرق اسکندریه در ساحل شمالی مصر بود، زیر نظارت ایالات متحده انجام گرفت. وزیر دفاع ایالات متحده، ویلیام کوهن، مدعی شد که، کشورهای شرکت کننده «مصمم به همکاری و مشاوره و نه مقابله» اند. شرکت کنندگان اصلی در این عملیات ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، اردن، امارات متحده عربی و مصر بودند، که هسته «نظم نوین جهانی» را تشکیل می دهند. این گروه، از سویی شامل قدرتمندترین کشورهای امپریالیستی تولید کننده عمده تسلیحات جهان و از سوی دیگر کشورهای سرسپرده نفت خیز اند که خریدار این تسلیحات اند. معمر قذافی، رهبر لیبی، در رابطه با تحرکات جدید امپریالیسم اعلام خطر کرد و خاطر نشان نمود که امپریالیسم با کینه خواهی و انتقام جویی به منطقه بازگشته است: «امپریالیسم نظامی اکنون بازگشته است... این امپریالیسم واقعی است با تانک و توپ و سرباز... و باید برضد آن مبارزه کرد.» او اعلام کرد: «جهان عرب به استعمار کشیده شده است و نیازمند است که یک بار دیگر مانند قبل از جنگ جهانی اول، به نیروی اسلحه آزاد شود.» قذافی گفت که، ایالات متحده با تکیه به ۲۰۰۰۰ نیروی نظامی مستقر در منطقه، به طور فزاینده ای دست اندازی به جهان عرب را پیشه خود کرده است. وی اضافه کرد که «من برضد عملیات ستاره درخشان هستم چرا که این تهدیدی برضد استقلال مصر، لیبی و کشورهای عربی است... جهان عرب قدرتمند است، ما نفت و گساز و یک بازار بزرگ و قابلیت های استراتژیک داریم.»

در رابطه با اهمیت بازار خاورمیانه برای امپریالیسم، کافی است اشاره شود که طی مانور ویلیام کوهن، اصرار ورزید که مصر تعداد بیشتری موشک های «پاتریوت» آمریکایی را بخرد. سخنگوی پنتاگون، کراولی، گفت: کوهن وزیر دفاع مصر را مجاب کرد «که هر چه سریع تر موشک های پاتریوت را در بودجه خود بگنجانند.» از سال ۱۹۷۹، ایالات متحده سالانه به منظور خرید تسلیحات پیشرفته آمریکایی یک میلیارد دلار به مصر کمک داده است. اخیرا بر اساس یک قرارداد، مصر از آمریکا هلیکوپترهای آجایی و هواپیماهای جنگنده اف-۱۶ خریده است و قرار بود ویلیام کوهن در تعقیب معاملات تسلیحاتی از اردن، کویت، عمان و اسرائیل هم بازدید کند. آلین ریچارد، وزیر دفاع فرانسه نیز در طول مانورها به قاهره

مسافرت کرد و در رابطه با فروش تسلیحات با حسنی مبارک و همچنین حسین تنتاوی، وزیر دفاع مصر، مذاکره کرد. برای عقب نماندن از قافله نماینده امپریالیسم کهنه کار انگلستان، جفری هون وزیر دفاع این کشور، نیز در قاهره حضور یافت و اعلام کرد که ناتو تنها نیرویی است که مجاز به مداخله در هر درگیری است.

ترک عادت موجب مرض است

مقامات امنیتی پاکستان، در ۳۰ مهر ماه، به دفاتر حزب کارگر پاکستان در لاهور شیخون زده، و نشریات را که در انتقاد از رهبران کودتای نظامی مطالبی نوشته اند، مصادره کردند. دکتر امجد ایوب، صدر حزب، که نسخه های کتاب تازه منتشر شده اش در مخالفت با نظامیان، با عنوان در «تدارک مبارزه»، توقیف گردید، اقدام مقامات را مورد حمله قرار داد و گفت: دو روز پس از اینکه ژنرال مشرف مدعی شد که او از آزادی مطبوعات حمایت خواهد کرد، مقامات نظامی مانع فعالیت نشریات حزب کارگر شده اند. «شعیب بهاتی، دبیر کل حزب و سردبیر روزنامه ارگان حزب، گفت که، دفتر نشریه «مبارزه کارگران» مورد حمله مقامات نظامی قرار گرفته است. کتاب دکتر امجد ایوب، که ماهیت فاسد نخبگان سرمایه دار پاکستان را مورد انتقاد قرار می دهد اولین کتابی است که از طرف کودتاگران به زیر تیغ سانسور رفته است.

● رهبر کودتای نظامی پاکستان، ژنرال پرویز مشرف، در اولین سفر خارجی خود از زمان بدست گیری قدرت، در ۱۳ آبان ماه به عربستان سعودی مسافرت کرد. مقامات رسمی نظامی گفتند که، ژنرال مشرف که وزیر خارجه، شمشاد احمد، او را همراهی می کند، پس از بازدید از عربستان به امارات متحده عربی خواهد رفت. مقامات مزبور اعلام کردند که این بازدید «اهمیتی را که پاکستان برای روابط برادرانه با عربستان سعودی و امارات متحده عربی قائل است مورد تصریح مجدد قرار می دهد.» انتظار می رود که ژنرال مشرف در مذاکرات خود با میزبانان مرتجع خود وضعیت دشوار اقتصادی پاکستان و اهمیت دریافت کمک های اقتصادی از این کشور را مطرح کند.

رای بر ضد نو لیبرالیسم

نتیجه انتخابات ۹ آبان ماه، در اوروگوئه، حاکی از پیروزی چشمگیر کاندیدای اپوزیسیون از جبهه وسیع است. بر اساس نتایج اعلام شده، رهبر اپوزیسیون چپ، تاپار واکوئر، حدود ۴۰ درصد آراء را به دست آورده است و نماینده حزب دست راستی حاکم، کلرادو، با ۳۵ درصد آراء در رده دوم قرار دارد. با توجه به اینکه هیچ کدام از دو کاندیدا اکثریت مطلق را به دست نیاورده اند، انتخابات به دور دوم کشیده می شود که در اوایل آذر ماه انجام خواهد گردید. واکوئر، که شهردار سابق مونته ویدئو، پایتخت اوروگوئه، است رای مخالفان و ناراضیان اوروگوئه را که در سال های اخیر و تحت سیاست های نولیبرالی شاهد یک رکورد اقتصادی دو درصدی و ۱۰/۵ درصد بیکاری بوده اند، به سوی خود جلب کرد. جبهه وسیع، که ائتلافی ست از سوسیالیست ها، کمونیست ها، برخی سوسیال دموکرات ها و چریک های سابق جنبش توپا مارو، قول داده است که از طریق یک سری اقدامات اضطراری به صادر کنندگان کوچک کشور، کشاورزان و فقرا کمک خواهد کرد. جبهه وسیع قول داده است که، نرخ مالیات غیر مستقیم را کاهش داده و حداقل حقوق را افزایش دهد. رئیس جمهوری سابق لوئیس لاکال، از حزب دست راستی «ملی» ۲۱ درصد آراء و رافائل میشلینی از «مجمع جدید» ۴ درصد آراء را بدست آوردند. انتظار می رود که در دور دوم انتخابات، بیشتر آراء «حزب ملی» به کاندیدای کلرادو، جورجی باتل، تعلق بگیرد.

کمونیست های اوکراین

دبیر کل حزب کمونیست اوکراین، پتروسیمونکو، در اولین دور انتخابات ریاست جمهوری این کشور، در ۹ آبان ماه توانست با کسب ۲۲/۳۲ درصد آراء، به دور دوم که در ۲۲ آبان ماه انجام خواهد شد، راه یابد. لئونید کوچما، رئیس جمهوری اوکراین نیز که در دور اول ۳۶/۳۶ درصد آراء را کسب کرد، در دور بعدی رقیب سیمونکو خواهد بود. اینکه آراء دیگر

کاندیداهای انتخابات چگونه در دور دوم تقسیم خواهد شد، تعیین کننده خواهد بود. جالب توجه است که بدانیم، بر اساس نتایج اعلام شده از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات، در دور اول، اولکساندر موروز - رهبر حزب سوسیالیست اوکراین با ۱۱/۲۹ درصد آراء، در مقام سوم قرار داشت و ناتالیا ویسرنکو، کاندیدای چپ رادیکال، با ۱۱/۰۵ درصد چهارم و نخست وزیر سابق پوهن مارچوک با ۸/۰۶ درصد آراء در مقام پنجم قرار دارند. اکثر رای دهندگان در شرق کشور به پتروسیمونکو و دیگر کاندیدای های چپ رای داده بودند. پلانقرم عمده انتخاباتی رفیق سیمونکو، در صورت موفقیت از بین بردن پست رئیس جمهوری است. او گفت: «این یک موضع اصولی حزب کمونیست است که وجود این نهاد به مصلحت نیست» و اضافه کرد که، این نهاد باید توسط «یک سیستم قدرت مردمی» جایگزین شود. او گفت که، اگر او در دور دوم پیروز شود، پست ریاست جمهوری را تا سال ۲۰۰۲ از طریق رفراندومی که به موازات یک انتخابات پارلمانی صورت خواهد گرفت، منحل خواهد شد. او اضافه کرد: «اوکراین بر طبق شاخص های سطح زندگی، مسایل امنیتی، موضوعات اقتصادی و استقلال سیاسی در لبه یک فاجعه ملی قرار دارد. پلانقرم انتخاباتی پتروسیمونکو بر محور کارزار بر ضد این که سیاست های داخلی و خارجی اوکراین از سوی غرب دیکته می شود و اینکه وام های صندوق بین المللی پول نباید به برنامه های اقتصادی نولیبرالی منوط باشد، بنا نهاد شده بود. کاندیدای حزب کمونیست اوکراین طرفدار ایجاد یک اتحادیه از کشور روسیه، اوکراین و روسیه سفید از طریق برگزاری یک رفراندوم پس از انتخابات ریاست جمهوری است.

فقر در بهشت سرمایه داری!

بر طبق یک گزارش معتبر که در ۱۳ آبان ماه منتشر شد، ۲۰ درصد کودکان آمریکایی در فقر زندگی می کنند. در ایالت تگزاس وضعیت وخیم تر است و بیش از یک چهارم کودکان در زیر خط فقر گذران می کنند. در منطقه کلمبیا بیش از یک سوم کودکان با فقر دست و پنجه نرم می کنند. در این منطقه ۲۱/۱ درصد مردم و ۳۵/۶ درصد کودکان با فقر روبرو هستند. آمار دقیق ایالت به ایالت که توسط اداره سرشماری منتشر شده حاکی از این است که دو سال قبل ۱۳/۷ درصد مردم آمریکا در فقر زندگی می کرده اند. در برخی از ایالاتی که میزان فقر در آنان بالاست مانند ویرجینیای جنوبی، لوئیزیانا و می سی سی پی بدلیل عدم اختصاص بودجه های خدمات اجتماعی کافی کودکان با مشکلات ویژه ای روبه رو هستند. این مسئله به ویژه در می سی سی پی ایالتی که ۲۱ درصد جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می کنند، برجسته است.

در بزرگداشت پنجاهمین سالگرد انقلاب چین

پنجاهمین سالگرد انقلاب چین، که در روز ۹ مهر ماه در میدان عظیم تیان آن مین در پکن برگزار شد، به گوشه هایی از تجربه این کشور در ساختمان سوسیالیسم اشاره کرد.

زیان زمین، که «از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، کنگره ملی خلق، شورای دولت، کمیته ملی کنفرانس مشورتی سیاسی خلقی چین و کمیسیون نظامی مرکزی» سخن می گفت در ابتدا ستایش خود را تبار تمامی انقلابیون نسل قدیمی تر و شهدایی که در مبارزه برای «استقلال، یکپارچگی، دموکراسی و رفاه وطن شاهکارهای همیشه زنده ماندنی» به جا گذاشتند، کرد. او در ادامه گفت: «پنجاه سال قبل در چنین روزی، رفیق ماو تسه دون از این محل تولد چین نور را به جهان اعلام کرد. پس از این مردم چین بپاخاسته و خلق چین به یک عصر نوین توسعه وارد شد... پانزده سال قبل، رفیق دن سیائو پین، در اینجا، به جهان اعلام کرد که مردم چین راه پیمایی خود در مسیر اصلاحات و باز کردن جامعه را ادامه خواهند داد و چین در جهت ساختمان سوسیالیسم با گام های بلند، مانند کشتی بی که در مواجهه با طوفان و امواج قرار دارد، به سوی هدف شکوهمند مدرن سازی پیش خواهد رفت... مبارزه دشوار و کوشش های فوق العاده شدید در این پنجاه سال، و به ویژه در ۲۰ سال گذشته، از زمان اصلاحات و باز کردن جامعه، تغییرات شگرفی را برای آنان که در گذشته فقیر بودند و کشور چین ضعیف گذشته به ارمغان آورده است. تحت رهبری حزب کمونیست چین، مردم سخت کوش، شجاع و مستعد چین بر این سرزمین باستانی چنان اعجاز آفریده اند که مورد ستایش جهانیان است. ما در عمل ثابت کرده ایم که سوسیالیسم تنها راه برای نجات و توسعه چین است. این ثابت شده است که، ساختمان سوسیالیسم با مشخصه های چینی، مسیری بهناور به سوی رفاه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی همه جانبه در چین است.»

«بشریت اکنون دوباره در موقعیت بحرانی، در لحظه شروع قرن جدید، و طلوع هزاره جدید، ایستاده است. این لحظه مناسبی برای بازبینی راه طی شده و دستاوردها، و نظاره به جلو و به توسعه و چشم اندازهای آینده است... از نیمه قرن گذشته تا اواسط این قرن، ما مردم چین با از خود گذشتگی و قربانی دادن، ۱۰۰ سال تمام مبارزه کردیم تا عاقبت استقلال و آزادی ملی مان را کسب کرده و بنابراین یک بار برای همیشه سر نوشت خود را عوض کردیم. از نیمه این قرن تا اواسط قرن آینده، مردم چین، با کار سخت و متهورانه ۱۰۰ ساله، کاملاً به مدرن سازی اقتصادی دست خواهند یافت. ملت چین موضع محکم خود را در خانواده ملت ها حفظ خواهد کرد. وطن کبیر مان مسیر پنج هزارساله ای را پشت

ادامه در صفحه ۶

۹ مهر ماه امسال، پنجاهمین سالگرد پیروزی انقلاب چین و بنیان گذاری جمهوری توده ای چین بود. نه فقط در چین بلکه در اکثر کشورهای جهان، از زوایای گوناگون این سالگشت مورد توجه و اظهار نظر قرار گرفت. قدمت تاریخی و نیز جمعیت انبوه این کشور نقش ویژه ای برای چین در جهان ایجاد کرده است. فرناند براوول، تاریخ نویس بزرگ فرانسه، درباره چین گفته بود: «چین فقط یک کشور دیگر نیست - یک تمدن دیگر است» با حدود ۱/۲۳ میلیارد جمعیت، چین یک چهارم جمعیت جهان را در بر دارد. و اگر فقط عامل جمعیت را در نظر بگیریم، آینده مردم چین اهمیت فوق العاده ای برای تاریخ جهان پیدا می کند. افزون بر این، حاکمیت سیاسی حزب کمونیست و سیاست اجتماعی متهورانه ای که در این کشور پیش گرفته شده است، برای نیروهای سیاسی ترقی خواه همواره جذابیت ویژه ای داشته است.

پیروزی انقلاب، در ۹ مهر ماه ۱۳۲۸ نقطه اوج دو دهه مبارزه توده ای زیر رهبری حزب کمونیست چین بود. روندی که در اواخر دهه ۲۰ میلادی، با قیام کارگری در شهرهای بندری کانتون و شانگهای شروع شد، در نهایت به «راه پیمایی عظیم» منجر شد که اندیشه های مارکسیستی طبقه کارگر را به دور افتاده ترین مناطق روستایی فقر زده چین فئودالی برد. کمونیست های چین و ارتش خلقی آنان از پایگاه های خود در قلب مناطق روستایی، مبارزه آزادی بخش ملی را با اشغالگران ژاپنی سازمان دادند.

شکست فاشیسم هیتلری و نظامی گرایی ژاپن در پایان جنگ دوم، شرایط جهانی مساعدی را برای نیروهای مردمی در سراسر جهان، و از جمله پر جمعیت ترین کشور جهان، چین جهت تشدید مبارزات آزادی بخش ملی ایجاد کرد. انقلاب چین یکی از مهم ترین رخدادهای قرن بیستم است. چین برای تبدیل از یک جامعه فقر زده و عقب مانده فئودالی به یک کشور پیشرفته و قدرتمند در پنجاه سال گذشته راه طولانی بی را پیموده است. اگر چه باید اذعان داشت که راه پیموده شده حتی به تأیید خود حزب کمونیست چین در بردارنده سر درگمی ها و اشتباهات نیز بوده است. در نیمه دوم دهه ۶۰ میلادی سیاست ویرانگر و عمیقاً گمراه کننده «انقلاب فرهنگی»، جامعه چین را در هم ریخت و باعث از بین رفتن بسیاری از پیشرفت هایی شد که در ۱۵ سال اول انقلاب حاصل شده بود، ولی انقلاب چین با تکیه بر اصول محوری و تحسین برانگیز، از قبیل:

- تهدد به ساختمان یک جامعه سوسیالیستی، که در آن نوسازی در توازن با عدالت اجتماعی، باز تقسیم ثروت و توسعه است، در کنار تمایل به یادگیری از تجربیات بین المللی در عین آمادگی همیشگی به ترسیم یک مسیر مستقل ملی بر پایه دانش، سنت ها، منابع و چالش های ویژه جامعه چین توانسته است، به سوی هدف نهایی خود پیش برود.

چین در دهه اخیر به ویژه هدف تبلیغات خصمانه سرمایه داری جهانی بوده است. مطبوعات سرمایه داری در کوشش برای مخدوش نشان دادن ساختمان سوسیالیسم در چین ماهیت اصلاحات اقتصادی در این کشور را به غلط «در آغوش کشیدن سرمایه داری توسط چین» تصویر می کنند. سیاست گذاران چین ضمن تأکید بر لزوم رفورم های اقتصادی و طولانی بودن مسیر سوسیالیسم در چین به روشنی می گویند که چین در مراحل اولیه چنین روندی قرار دارد و همیشه از تعهد خود به آینده سوسیالیسم در چین سخن گفته اند. جالب است که در رابطه با درک ماهیت اصلاحات اقتصادی در چین و سیستم سیاسی - اقتصادی این کشور اشاره شود که در حالی که بحران سال های اخیر در آسیای جنوب شرقی همه اقتصادهای سرمایه داری در ژاپن، اندونزی، کره جنوبی، تایوان، تایلند و مالزی را در هم پیچید و رکود بی سابقه و بیکاری و ورشکستگی به ارمغان آورد، اقتصاد چین، بررغم فاجعه سیل در سال گذشته توانست شاهد ۷/۸ درصد رشد تولید ناخالص ملی باشد. رهبران چین در ماه های اخیر از این هدف سخن گفته اند که، باید تا سال ۲۰۱۰، به موازات بالا رفتن سطح رفاه عمومی، تولید ناخالص ملی چین دو برابر شود. و این هدف کوچکی نیست. زیان زمین، رئیس جمهور چین، در سخنرانی خود به مناسبت

کمک های مالی رسیده

گروه کوچکی از دوستان حزب از آمریکا ۵۰۰ دلار

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:570

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

9 November 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۲۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷ -

حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse



ائتلاف «روشنفکران دینی و روزنامه نگاران اصلاح طلب»

بر اساس گزارش روزنامه «عصر آزادگان»، سه شنبه ۲۵ آبان ماه، روز دوشنبه فهرست ۳۳ نفره ای از سوی یک ائتلاف جدید سیاسی برای انتخابات مجلس ششم انتشار یافت. در این لیست ۳۳ نفره برای تهران از جمله اسامی زیر به چشم می خورد: «عبدالله نوری، محسن کدیور، عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری، موسوی خوئینی ها، عزت الله سبحانی، عباس عبدی، شهاب شرکت [مدیر مسئول ماهنامه زنان]، اعظم طالقانی، سید هاشم آغاچری [عضو تحریریه عصر ما]، اکبر گنجی، حمید رضا جلالی پور، ماشاءالله شمس الواعظین، محسن آرمین، رجبعلی مزروعی، محمد رضا خاتمی، ژاله شادی طلب، حسن یوسفی اشکوری، علی حکمت، و...» بر اساس همین گزارش «ائتلاف جریان روشنفکران دینی و فعالان مطبوعاتی جبهه دوم خرداد اعلام کرده است، طی هفته های آینده برنامه انتخاباتی و اولویت های خود را برای مجلس ششم اعلام خواهد کرد. این ائتلاف همچنین عبدالله نوری را به عنوان رئیس مجلس ششم پیشنهاد و اعلام کرده است مذاکره با تشکل های دانشجویی برای رسیدن به فهرست مشترک را در دستور کار دارد.» به گفته «عصر آزادگان» یکی از سخنگویان این ائتلاف جدید ویژگی اساسی این لیست انتخاباتی را «انتخاب نامزدها از میان گرایش های متفاوت سیاسی و توجه به همه حوزه ها» دانست و اعلام کرد: «ملاک ما در انتخاب توجه به شمار «ایران برای همه ایرانیان» است...»

نظر سنجی درباره دادگاه نوری

بر اساس گزارش روزنامه «عصر آزادگان»، سه شنبه ۲۵ آبان ماه، در یک نظر سنجی از مردم تهران، بیش از ۸۲ درصد خواهان تبرئه نوری شدند. بر اساس همین گزارش، در برابر سؤال اینکه آیا دادگاه نوری بر اساس قانونی تشکیل شده

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«...» حزب توده ایران خواهان انحلال فوری تمام ارگان ها و نهادهای سرکوبگر از جمله سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، کمیته های انقلاب، دادستانی انقلاب و بسیج است.

• حزب توده ایران خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، اعلام بی درنگ بی اعتبار بودن اتهام ها و احکام دادگاه های «شرع» - اعم از نظامی و غیر نظامی - و پیگرد و محاکمه علنی شکنجه گران و مسؤولان کشتار های جمعی زندانیان سیاسی ایران است.

• حزب توده ایران حق حیات را حق طبیعی و خدشه ناپذیر انسان می داند، و خواهان لغو مجازات اعدام در قوانین جزایی کشور است.

• حزب توده ایران خواهان تضمین خدشه ناپذیر و بدون قید و شرط آزادی اندیشه، دین، بیان، قلم، مطبوعات، و حق تشکیل احزاب، جمعیت ها، اتحادیه ها و سندیکاهای صنفی است، و از حق انتخاب شغل، محل سکونت، و حق اعتصاب و حقوق مدنی و دموکراتیک شهروندان، دفاع می کند...»

از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب

ضمیمه



ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۷۰، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۲۵ آبان ۱۳۷۸

یورش به روزنامه ها، ایجاد شکاف، و استفاده از اهرم های قانونی - تاکتیک انتخاباتی

فقیهی مسأله دیگری است که ما به موقع خود به آن خواهیم پرداخت.

در کنار این تاکتیک، نیروهای مدافع استبداد ولایت مطلقه درصددند تا با اعمال قاطع نظارت استصوابی شورای نگهبان و حذف و وسیع نامزدهای مستقل و مخالف، انتخابات را از شکل عادی آن خارج کرده و اجازه ندهند به هیچ صورتی توازن کنونی مجلس شورای اسلامی به ضرر آنها به هم بخورد. استفاده از اهرم های گوناگون «قانونی» که در اختیار این جناح است، بی شک حربه موثری در این کارزار خواهد بود و محاکمه عبدالله نوری در هفته های اخیر، از جمله نمونه های روشن استفاده از اهرم های «قانونی» بدین منظور است. محمد سلامتی، در مصاحبه ای با روزنامه خرداد در این زمینه ضمن تأیید نظر بالا می گوید: «اگر جناحی می تواند هیأت های نظارت را در کنترل خود بگیرد، از نفوذ خود در شورای نگهبان، رسانه های همگانی بخصوص رادیو، تلویزیون، تریبون های نماز جمعه به سود جناح خود استفاده کند و یا از نفوذ خود در قوه قضائیه که هنوز آثارش مشهود است برای پرونده سازی و سوء سابقه درست کردن بهره گیرد، برای برگزاری انتخاباتی سالم نباید از این گونه نفوذ ها در جهت حذف تریبون ها و نشریات جناح مقابل استفاده کند... جناح انحصار طلب مقدماتی را فراهم کرده تا تنها امکان تبلیغی جبهه دوم خرداد،

با نزدیک شدن موعد انتخابات مجلس ششم، و روشن شدن این مسأله که اگر مردم اجازه یابند آزادانه نظرات خود را در انتخابات اعمال کنند، نیروهای مدافع «ولی فقیه» و استبداد مطلقه فقهاتی با شکست سنگینی روبه رو خواهند شد، هراس و نگرانی شدید ارتجاع را برانگیخته است. تدارک همه جانبه این نیروها برای جلوگیری از تحقق اعمال اراده توده ها در جریان انتخابات مجلس ششم، ایامد بسیار گسترده و در عین حال پیچیده ای به خود گرفته است که توجه به آن بسیار حائز اهمیت است. این نیروها از یک سو در صددند با برگزاری جلسات و تماس های پشت پرده و طرح این مسأله که اختلافات موجودیت «نظام را تهدید می کند»، جبهه وسیع و ناهمگون دوم خرداد را دچار تزلزل، اختلاف و انشعاب کنند. طرح مسأله شرکت هاشمی رفسنجانی به عنوان نامزد انتخاباتی از تهران، در حالی که به درستی با مخالفت شدید بخش های وسیعی از نیروهای جبهه دوم خرداد روبه رو شد، در عین حال این امکان را به جناح «ذوب در ولایت» داد تا ضمن دفاع جانانه از رفسنجانی به عنوان یکی از «استوانه های نظام» از کارگزاران سازندگی بخواهند که صف خود را بیش از پیش به نیروهای «ذوب در ولایت» نزدیک نکنند. تجربه ای که این نیروها قبلاً در جریان انتخابات مجلس خبرگان نیز به شکل موثر به کار گرفته بودند. در اینجا نقش موزیانه و مخرب خود رفسنجانی به عنوان یک نیروی مهم نفاق برانگیز و در عین حال مدافع سرسخت حفظ استبداد مطلق ولایت

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

ادامه یورش به روزنامه ها...

یعنی روزنامه ها را از بین ببرد یا تضعیف کند...» به عبارت دیگر بخش دیگر از تاکتیک انتخاباتی مدافعان «ولی فقیه» را باید تدارک برای یورش جدید به روزنامه های مستقل و مخالف ارزیابی کرد که نخستین آثار آن را می توان در محاکمه عبدالله نوری، مسئول روزنامه خرداد، و ماشاءالله شمس الواعظین، مسئول روزنامه توقیف شده «نشاط» به روشنی مشاهده کرد. برای ارتجاع حاکم جو افشاگرانه کنونی مطبوعات مانند سم مهلکی است که در صورت ادامه یافتن می تواند خطرات جدی را برای ادامه رژیم در بر داشته باشد. از جمله انکاس محاکمه عبدالله نوری در روزنامه ها سبب شد که جو گسترده ای از مخالفت، تفر و انزجار از دادگاه ویژه روحانیت و آنچه این دادگاه نماینده آن است، یعنی «ولی فقیه» در جامعه برانگیخته شود. نظر سنجی های اخیر در تهران و دیگر شهرها نیز موید چنین نظری است. باهنر، از چهره های سرشناس ارتجاع نیز در سخنان اخیر خود ضمن ابراز نگرانی شدید از وضع مطبوعات کشور خواهان آن شد که در این زمینه چاره ای اندیشیده شود.

از مجموع آنچه گفته شد می توان استنباط کرد که در هفته های آینده جو متشنج و پرتنش سیاسی کشور بیش از پیش حاد شده و دور جدیدی از درگیری ها را در پی داشته باشد. روزنامه کیهان در مطلبی، در شماره ۲۴ آبان ماه، ضمن تهدید نیروهای مخالف به سرکوب شدید، برخی جریانات داخلی را به ارتباط با بیگانگان متهم کرد. به گفته مقاله نویس روزنامه کیهان: «این جماعت به ظاهر اصلاح طلب و مدرنیته خواه هم در اوج توطئه گری خود به سیاست «نفوذ» و نظریه «انفجار از درون» وابسته اند... مافیای گروه ها و مطبوعات وابسته به آنها مثل خوره به جان ایمان و اعتقادات مردم خدا جوی ما افتاده اند...»

با توجه به چنین تهدیدات و ارزیابی های خصمانه ای از سوی جناح مدافع استبداد مطلق باید انتظار داشت که ارتجاع یورش تازه ای را به مطبوعات و نیروهای دگراندیش و هواداران جبهه دوم خرداد آغاز کند. بدیهی است که نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، تمام امکان و نیروی خود را در راه خنثی کردن توطئه های ارتجاع به کار گیرند و در کنار مردم برای دست یابی به آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات پیکار کنند. تجربه دوسال گذشته نشان داده است که جنبش مردمی این توان را دارد که در مقابل ارتجاع ایستادگی کند و از دست آوردهای جنبش در مقابل دستبردهای ارتجاع دفاع کند. اتحاد عمل همه نیروهای مخالف ارتجاع و استبداد و حرکت در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری، کلید پیروزی در نبرد دشوار و سهمگینی است که هم اکنون در میهن ما در جریان است.

است، تنها ۲۷ درصد اعتقاد داشتند که این دادگاه بر اساس قانونی تشکیل شده است، در حالی که بیش از ۵۱ درصد از مردم معتقد بودند که تشکیل دادگاه غیر قانونی بوده است. در برابر این سوال که به نظر شما جرم عبدالله نوری چه بوده است، بیش از ۵۷ درصد اتهام او را حمایت از آیت الله منتظری، ۲۴ درصد اتهام او را انتقاد به مقامات و تنها ۸ درصد نقض قانون دانستند. نکته جالب دیگر اینکه در برابر این سوال که اگر شما در میان هیأت منصفه دادگاه بودید آیا رأی به محکومیت و یا برائت نوری می دادید تنها ۵ درصد رأی به محکومیت او دادند. لازم به تذکر است که در چند روز پس از اعلام حکم دادگاه نظر سنجی ها و اظهار نظرهای گوناگونی درباره این دادگاه فرمایشی صورت گرفته است که اولاً نشان دهنده آن است که اکثریت قاطع مردم این دادگاه را یک دادگاه کاملاً سیاسی ارزیابی کرده اند و ثانیاً آنها هیچگونه حقانیتی برای این دادگاه و نظرات آن قابل نیستند. نکته جالب دیگر اینکه روزنامه های جناح «ذوب در ولایت» در حملات شدیدی بر ضد توری او را به تجدید نظر طلبی و حتی خیانت به آرمان های انقلاب و «امام» متهم کردند.

جلسه مشترک «مجمع» با «جامعه روحانیت»

به گزارش روزنامه صبح امروز، سه شنبه ۲۵ آبان ماه، «جامعه روحانیت مبارز» با ارسال نامه ای به «مجمع روحانیون مبارز» از آنها دعوت کرده است تا در جلسه مشترکی برای بررسی امور کشور حضور یابند. بر اساس همین گزارش، رسول منتخب نیا، در مورد این جلسه گفت: «امیدواریم جامعه روحانیت مبارز از برگزاری این جلسات نیت خیر داشته باشد...» به گفته او: «این جلسات منحصر به مجمع روحانیون مبارز نیست زیرا صدها نفر از روحانیون صاحب نظر در آن شرکت خواهند کرد... در جلسه گذشته در قم امام جمعه رشت در سخنرانی خود انتقاداتی را به بخش سیاسی جناح راست مطرح کرد و آقای کروبی هم سخنرانی خوبی کرد تا ریشه اختلافات و تنش ها از بین برود و در واقع این جلسات را باید از زاویه صنفی نگاه کرد که برای تلطیف کردن محیط سیاسی و پیشگیری از برخوردهای خشنوت آمیز تشکیل می شود.»

بحران هویت

بر اساس گزارش رسانه های جمعی، دکتر عبدالکریم سروش، شامگاه شب به سخنرانی به مناسبت «مبعث رسول اکرم» از جمله گفت: «جوامع اسلامی امروز با بحران هویت و بحران عقلانیت روبه رو هستند...» به گفته سروش: «بنیاد گرایی و اینکه مسلمانان گاهی با عصبانیت و خشنوت با مخالفان خود مواجه می شوند، دقیقاً به علت بحران هویتی است که پیدا کرده اند. کسی که فکر می کند هویت خود را دارد می بازد، از طریق مقابله های خشم آلود می خواهد هم ابراز هویت و هم احراز هویت کند» به گفته سروش طرح مسأله «خودی و غیر خودی ریشه در قبیلگی دوران جاهلیت دارد» و اگر به مسایل توجه نشود تمدن اسلامی با خطر زوال روبه روست. به نظر سروش: «تمدن اسلامی پیش از این خلدون و به نقل از او زوال یافته بود و عامل زوال آن نیز منحصر شدن معارف تمدن اسلامی در دو شاخه معرفتی، باطنی گری و خلاصه کردن معارف دینی در فقه» بود که: «تنها به صوفی پروری یا فقیه پروری می پرداخت و علون تجربی و فلسفه عقلی را به حاشیه می راند.»

نظر تازه ای درباره اشغال سفارت آمریکا

به گزارش رسانه های جمهوری اسلامی، رجایی خراسانی، نماینده سابق ایران در سازمان ملل متحد، گفت جمهوری اسلامی «با اشغال سفارت آمریکا افکار عمومی بین المللی را علیه» خودش تحریک کرد. رجایی خراسانی که این نظرات را در میزگرد «تحلیل انقلاب دوم» بیان می کرد افزود: «ما افکار بین المللی را علیه خودمان تحریک کردیم و با این کار در تنگنا قرار گرفتیم که برایمان گران تمام شد. اثر دیگر آن تأیید جنگ ایران و عراق از سوی آمریکا بود که مشکلات اقتصادی و سیاسی بسیاری را برای ما به وجود آورد، هرچند در آن زمان مردم ما بدت از گروگان گیری حمایت کردند...»

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 570
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

16 November 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک